

در زیر آفتاب همه چیز تازه است

نگاهی به درس هنر، چالش‌ها و راهکارها

کاوه تیموری

مقدمه

درس هنر یکی از درس‌های دوره راهنمایی است که متناسب با موضوع خود می‌تواند جایگاه شایسته‌ای در چارچوب برنامه‌ریزی درسی داشته باشد. بررسی زیربنا و ماهیت مقوله‌ای مهم مانند هنر، خواننده اهل تأمل را به جایگاه ترویجی و تعلیمی این درس رهنمون می‌شود. این مقوله سرشته با روح آدمی است و انعکاسی از فطرت اصیل و پاک او را در آئینه وجود تداعی می‌کند. استاد شهید مطهری در مبانی فلسفی زیباشناسی و هنر معتقد است:

«گرایش به زیبایی و جمال در همه انسان‌ها به نحو اطلاق وجود دارد؛ چه آن را «زیبایی دوستی» و چه «زیبایی آفرینی» یعنی «هنر» بنامیم. هیچ‌کس نیست که از این احساس تهی باشد. انسان‌ها در پوشیدن لباس و انتخاب مسکن و... به زیبایی اهمیت زیادی می‌دهند.» استاد به همین ترتیب ادامه می‌دهد:

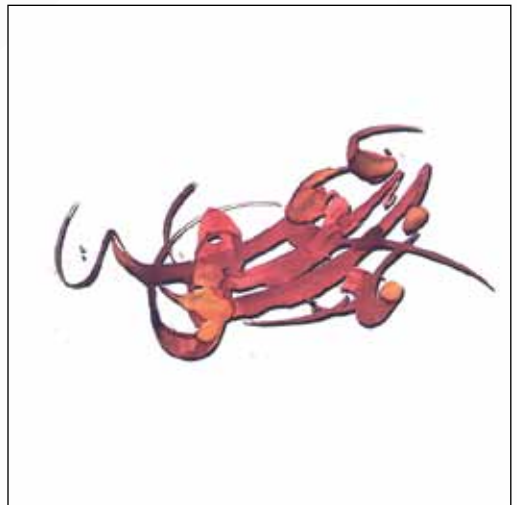
«ستایش و تقدیس زیبایی نیز مخصوص انسان است. آدمی وقتی در برابر کمال و جمال و زیبایی قرار می‌گیرد، احساس ستایش در وی به صورت عکس‌العملی طبیعی پیدا می‌شود که این احساس در حیوان نیست. حیوان نه آن کمال و جمال و عظمت را درک می‌کند و نه قدرت دارد که ستایشگر این اوصاف باشد.»

این سرمایه مهم را باید در تعلیم و تربیت، بیشتر ارج نهیم. بر این اساس، در این وادی دشوار به جای بیان تازه، به نگاه تازه نیاز داریم و به جای درس هنر، به واقع به درد هنر نیازمندیم. در بحث نهضت آموزش هنر لازم است ارزش‌های ذاتی این ساحت مهم بشری را بشناسیم. در اینجا به برخی از این ارزش‌ها اشاره می‌کنیم.

بنامه درجه درجه



احسان پارسا



آتنا عباس نژاد رودی

بنفشه امینی

در هنر، هنرمند به دنبال احوال دل است تا اقامهٔ دلیل و به قول پاسکال «دل برای خود دلایلی دارد که عقل از آن‌ها خبر ندارد.»^۱

از نظر انیشتین، تخیل از دانش مهم‌تر است. اگر هنر ابراز مافی‌الضمیر باشد، قدرت پرواز تخیل و قدرت دربرگیرندگی را برای سالک هنری به دنبال خواهد داشت.

۲. هنر عرصه‌ای برای پیشگیری از ضایعات و آسیب‌های اجتماعی است. از نظر رایمر «غایت کارکرد هنر لذت‌آفرینی و بصیرت‌آفرینی» است. هنر لذت‌بخش و ارضاکنده است و معراج روح آدمی است. «به‌همین سان «هنر شایسته‌ترین طریق بازنمایی تجربه‌ای سرشار از احساس و عواطف انسانی است.»^۲

با در نظر داشتن این نکته باید بپذیریم که دوران مهاجرت هنر به سرآمده و توجه جدی به هنر مانند یک الزام خود را بر ما تحمیل می‌کند. سرگذشت‌نامهٔ هنرمندان بزرگ هر کدام پیام‌رسان اعتبار و ارزش هنر است و به همین دلیل باید دائماً این هنرنامه‌ها را مطالعه کرد. به قول نظامی:

قدر اهل هنر کسی داند

که هنرنامه‌ها بسی خواند

۱. هنر دریچه‌ای برای نگاه متفاوت است. هنر دشمن روزمرگی است. ما با هنر آشنای‌دایی می‌کنیم: صبح است و آفتاب پس از بارش سحر بر بال کوه می‌روم از بین بوته‌ها گویم ببین که از پس چل سال و بیشتر باز این همان بهار و همان کوه و بازه است بر شاخسار شوره گز پیر، مرغی گوید نگاه تازه بیاور که بنگری در زیر آفتاب همه‌چیز تازه است^۳

«هنر عبارت است از نگاه متفاوت و تفاوت و تنوع و طراوت نگاه. هنر عبارت است از تازه‌دیدن، از زاویهٔ غیرتکراری، دیدن اشیاء، ارزش‌ها، روابط کهنه یا مکرر یا روزمره که اغلب از شدت دیده‌شدن، دیده نمی‌شوند. هنر، هم باید پیچیدگی‌ها را ساده کند و هم سادگی‌ها را پیچیده.»^۴

هنر برای ما «شناختی متکی بر عاطفه» به ارمغان می‌آورد. در حقیقت، چنانچه مواجههٔ نظام انسانی با واقعیت در قلمرو عاطفه مورد ارزیابی قرار گیرد، می‌توان به شناخت حقیقت هنری دست یافت. به همین دلیل شیوه و روش در هنر، تخیلی و آفرینشگرانه است.

مروری موردی بر نقاشی و مجسمه‌سازی در قرن پانزدهم و به‌طور مشخص در سال ۱۴۹۷ (نقطه شروع رنسانس) از ظهور سه هنرمند برجسته خبر می‌دهد. میکل آنژ بزرگ که مجسمه داوود را ساخت و می‌گفت: «من فقط مجسمه‌ها را از میان سنگ‌ها آزاد می‌کنم.» دیگری نقاش بزرگ ایتالیایی، رافائل، بود که در ۳۷ سالگی فوت کرد اما خیلی زود به نبوغ رسید و بالاخره، داوینچی که تابلوی دوران‌ساز «مونالیزا معروف به لبخند ژوکوند» را کشید که در آن تبسم دختر هیجده ساله‌ای دیده می‌شود که فرزند خود را از دست داده و با وجود اینکه غم سایه سنگین خود را بر او انداخته، در حال تبسم است.

کافی است تأثیر این سه هنرمند بزرگ را بر هنر در پانصد سال گذشته مرور کنیم و زنده‌بودن هنر آن‌ها را مورد توجه قرار دهیم.

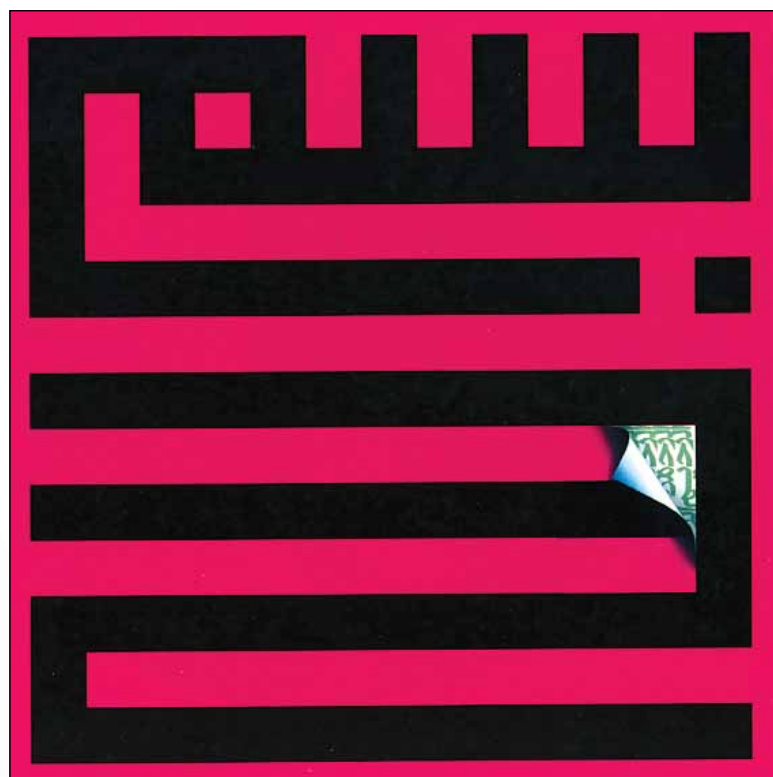
۳. هنر در عرصه تعلیم و تربیت زنگ تنفس فرهنگی است. در جورچین تعلیم و تربیت، هنر نقش تکمیلی دارد. عرصه هنر عرصه رقابت همراه با اضطراب و فشار روانی نیست؛ زیرا تجربه زیباشناختی شور و شوق دارد و انبساط‌خاطر به همراه می‌آورد.

۴. با درس هنر می‌توانیم بر بسیاری از مشکلات و اختلالات رفتاری غلبه کنیم. در عین حال، تأثیر هنر بر پیشرفت تحصیلی امری اثبات شده است؛ به‌طوری که هنر خط، مهارت نمایش و فن بیان با پیشرفت تحصیلی رابطه مستقیم دارند.

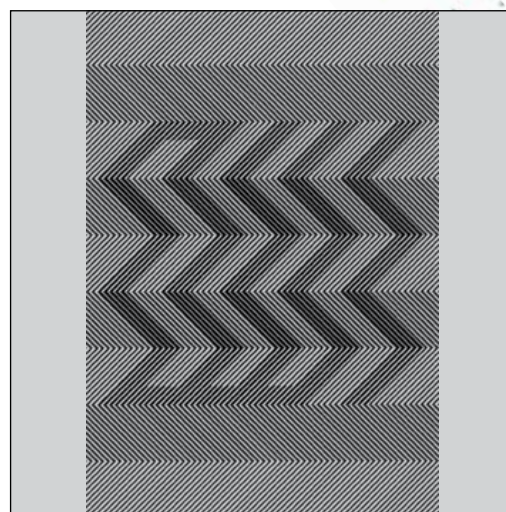
۵. چهار بخش اصلی هنر شامل ۱. تولید هنری، ۲.



زینب رشوند



باقر جعفری



نسرین سعیدی

تاریخ هنری، ۳. نقد هنری، و ۴. تجربه زیباشناسی است. در فرایند تعلیم و تربیت با تولید هنری و غنی کردن حس زیباشناختی به عنوان یک بخش مهم از شخصیت اساسی کار داریم. با هنر از پرورش شخصیت تک‌بعدی جلوگیری می‌کنیم.

اصل کلی هم این است که بین اعتمادبه‌نفس و اتکا به‌نفس با پرورش هنری رابطه‌ای مستقیم و معنی‌دار وجود دارد؛ به زبان دیگر، یک واحد پرورش هنری به یک واحد افزایش اعتمادبه‌نفس ختم می‌شود.

هنر چاهی است که به‌خاطر فطرت زلال دانش‌آموز با چندمتر کردن به آب می‌رسد. هنر آیینۀ فطرت آدمی است.

موانع پیش‌رو

مبهم‌بودن درس هنر در دوره ابتدایی؛ در دوره ابتدایی، ما کتاب هنر نداریم اما کتاب راهنمای هنر برای معلم ابتدایی داریم. در خیلی از مدارس موضوع آزاد گذاشته شده یعنی درس هنرمغفول مانده‌است یا به دروس دیگر پرداخته می‌شود. بنابراین، آنچه استمرار نمی‌یابد، آیا ارزش آموختن دارد؟ در اینجا ماده‌ی درسی داریم؛ یعنی، از منظر برنامه‌ریزی درسی دیسپلین محوریم ولی این امر خروجی ندارد. گله از خلاقیت‌کشی برخی از همکاران فرهنگی در دوره ابتدایی جای خود دارد. نه برای طراحی و کاردستی نه برای خوشنویسی و نقاشی افق روشنی در کلاس دیده نمی‌شود و متأسفانه عنصر مهم خلاقیت نیز مورد توجه چندانی نیست.

گروه آموزشی هنر «خوشنویسی با قلم نی» را حذف و آن را به خط تحریری محدود کرده است؛ در حالی که خوشنویسی یک تربیت‌ظریف فرهنگی است.

حذف خوشنویسی به ما نهیب می‌زند که بذره‌های قابل کشت را نباید آرد کنیم! چین و ژاپن از ما هوشمندترند؛ چرا آن‌ها این حذف را انجام نداده‌اند؟ - در دوره راهنمایی کتاب هنر متناسب با شرایط حال، نیازمند تحول جدی است. ۲۰ سال است که به کتاب درسی هنر دست زده‌ایم؛ در حالی که به یک شوک زیباشناختی در این کتاب‌ها نیاز داریم. زمان درس هنر که در پایه اول راهنمایی دو ساعت و در دوم و سوم راهنمایی یک ساعت است، بسیار کم است و عرصه را برای فعالیت جدی تنگ می‌کند.

- در مواردی می‌بینیم که بچه‌هایی با سطح توانایی تحصیلی پایین‌تر جذب رشته هنر می‌شوند.

- تربیت معلم هنر هم به استان‌ها واگذار شده است و به این ترتیب، توانایی و نیروی لازم برای تربیت دبیران هنر وجود ندارد.

اما توجه به دوره تحصیلی ابتدایی و درس هنر اهمیت بسیار دارد؛ زیرا یکی از مسائل اساسی در تعلیم و تربیت هنری، بهره‌نگرفتن جدی از توانایی نهفته در کودکان دوره ابتدایی است. علت این نکته به‌طور آشکارا و عینی، آشنا نبودن معلمان دوره ابتدایی با مفاهیم هنری و از همه مهم‌تر با روش تدریس هنر است.

در دوره ابتدایی حضور ۲۸۰ هزار همکار فرهنگی می‌تواند در شکل‌دادن به شخصیت هنری بسیار مؤثر باشد اما اگر در قالب یک پژوهش استانی نمونه‌ای از خروار را بررسی کنیم، به



سبزه زهر ساجدی





سپیده سالاز البرزی

محمدمهدی راضی



مشخص از جمله توانایی نگهداری موضوع در ذهن، تنظیم موضوع به صورت کلمه، ترسیم گرافیکی شکل هر حرف و کلمه، به کارگیری ابزار نوشتن، داشتن حافظه دیداری و حرکتی سروکار دارد.^۱ به دلیل همین اهمیت است که گفته‌اند دانش شکاری بود که در دام خط افتاد و پایدار ماند.

خوشنویسی و خوش‌نگاری مقدمه‌ای تأثیرگذار برای مهرورزی به زبان فاخر فارسی است که به یگانگی و شایستگی، عنصر اصلی وحدت ماست. این نکته مورد اهتمام برنامه درسی ملی به عنوان اصول پایه می‌باشد.

با وجود این کاستی‌ها بر این باوریم که امر ممکن را نباید فدای امر محال کرد. به قول یک ضرب‌المثل انگلیسی، نقشه بزرگ داشته باشیم اما کار را از نقطه‌ای کوچک آغاز کنیم.

پیشنهادها

اصل کلی این است: فعالیت هنری مقدم بر هر گونه کار دیگری صورت گیرد؛ زیرا مقدمه تحول فعالیت است.

– وقت آن رسیده است که از همخوانی درس پرورشی با نگاهی تازه به ساعت‌های درسی هنر توجه کنیم.

– مجله رشد آموزش هنر با داشتن این تریبون کار نهضت آموزش هنر را آغاز کرده است و به قول مولانا: «هین تو کار خویش کن ای ارجمند».

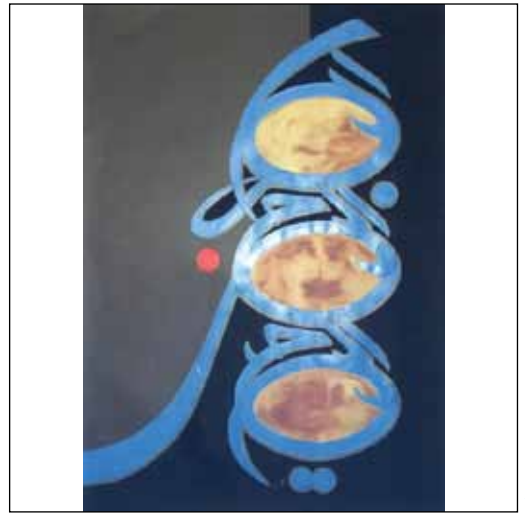
– کارگاه هنر مدرسه و اختصاص دادن محلی به نمایشگاه هنر در مدرسه می‌تواند الزامی باشد.

این نتیجه می‌رسیم که «آشنایی با مفاهیم هنر و روش تدریس در میان معلمان سال پنجم ابتدایی دارای میانگین نمره به ترتیب ۴/۳۰ و ۴/۸ بوده است که با توجه به نمره حداقل (۲) و حداکثر (۸)، نمرات میانگین به دست آمده نسبت به سایر دروس پایین تر است؛ به طوری که فقط بیش از ۵۰ درصد معلمان حجم نمونه توانسته‌اند نمره‌های بالاتر از میانگین کسب کنند و مابقی پایین تر از حد میانگین قرار می‌گیرند.»^۷

این نکته نشان می‌دهد که در تعلیم و تربیت هنری کودکان ابتدایی یک فرصت بزرگ دارد از دست می‌رود. معلم بی‌علاقه و حتی علاقه‌مند اما غیرآشنا با هنر و روش‌های تدریس آن، رغبتی به آموزش هنر در دوره ابتدایی ندارد. نکته این است که فقط نباید به نسل دانش‌آموزی کم‌علاقه به هنر به عنوان معلول نگاه کنیم بلکه علت‌ها را نیز باید دریابیم.

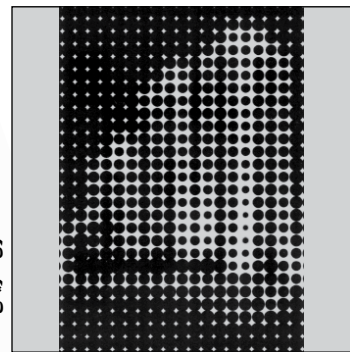
این نکته آثار زبان‌بار خود را زمانی نشان می‌دهد که یکی از روش‌های آموزش خلاقیت را «آموزش هنرهای زیبا» معرفی می‌کنند. کاردستی، طراحی، نقاشی و خوشنویسی در برنامه درسی مورد اهتمام است. جالب اینجاست که فیلسوف بزرگی مانند وایتهد معتقد است: «یکی از علل رخوت طبقه آریستوکرات (اشراف) عدم استفاده از کارهای دستی بوده است».^۸ کاردستی و دست‌ورزی مواد خام یکی از مبانی لازم برای ایجاد ذهنیت خلاق است.

در عمل مهمی مانند نوشتن، به عنوان عالی‌ترین رکن زبان، ما به یک تمرین مهم خلاقیت یعنی نویسندگی و نگارش می‌پردازیم؛ زیرا «عمل نوشتن در واقع با چند مهارت بسیار



شگون شریفی

مریم حسینی



در این صورت، برای «رشد آموزش هنر» فرصتی به وجود می‌آید تا تسهیل‌گر یا دامن زننده به موضوع آثار هنری مدرسه باشد.

– مثال موردی ۱:

هنرجویان کانون پرورش فکری به خاطر داشتن تجربه کار در محیط‌های کارگاهی و هنری توفیق درخور توجهی داشته‌اند؛ زیرا کار هنری فارغ از تجربه صورت نمی‌گیرد.

– مثال موردی ۲:

– در تجربه معلم پروری هنر موفق عمل شده است؛ زیرا کار و عملکرد هنری دانشجو در یک محیط کارگاهی نقد و بررسی می‌شود. میزهای کار تناسب دارند و فضا کاملاً هنری است.

– تأکید بر حل مشکلات و گره‌های هنری با طرح مقالات مهم مثل بحث چپ دستی و نحوه آموزش خط به چپ‌دستان

– برقراری ارتباط با گروه‌های آموزشی هنر و کمک به فعال کردن گروه‌ها؛ گروه‌های آموزشی به خوبی می‌توانند به فعالیت‌های معلمان هنر دامن زنند.

– تأکید بر بردن دانش‌آموزان به نمایشگاه‌ها و برگزاری نمایشگاه‌های فصلی و دائمی در محیط مدرسه – توجه به فوق برنامه؛ دست‌کم باید فرصتی برای

افراد مستعد به وجود آوریم و با شناسایی استعدادها زمینه فعالیت را برای دانش‌آموزانی که جوهره هنری دارند، فراهم سازیم.

– سنگین کردن یک مناسبت در هر فصل با توجه به هنر تخصصی؛

– راه‌اندازی فضای نقد بین معلمان و مدرسان با در نظر داشتن مؤلفه‌های برنامه‌ریزی درسی؛

– چاپ آثار دبیران و معلمان و مدرسان هنر در مجله رشد آموزش هنر.

پی‌نوشت

۱. استاد شهید مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۱-۳؛ نیز ر.ک. تعلیم و تربیت در اسلام از استاد شهید مطهری و کتاب انسان و ایمان و کتاب فطرت.

۲. استاد شهید مطهری، آشنایی با قرآن، ص ۱۹.

۳. شفیعی کدکنی

۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین، ص ۹۲، ۱۳۸۹.

۵. مهرمحمدی، محمود؛ آموزش عمومی هنر: چیستی، چرایی، چگونگی، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۰.

۶. همان.

۷. حسین‌زاده، فتح؛ بررسی میزان آشنایی معلمان سال پنجم ابتدایی با مفاهیم و روش تدریس هنر، شورای تحقیقات آموزش و پرورش بوشهر، ۱۳۷۴.

۸. قاسم‌زاده، حسن؛ خلاقیت، مرکز توسعه خلاقیت، ۱۳۷۱.

۹. مهربانی، مرتضی؛ بررسی مشکلات زبان نوشتاری دانش‌آموزان کلاس ابتدایی شهرستان خمینی شهر، شورای تحقیقات آموزش و پرورش اصفهان، ۱۳۷۷.